

## خونریزی برای نفت بس است!

### سربازان اتحادیه اروپا باید از چاد خارج گردند!

برگردان: وندا نوژن



تحت رهبری فرانسه، ۳۷۰۰ نفر از سربازان یوفور [۱] اتحادیه اروپا تصمیم دارند در اولین فرصت ممکن به چاد بروند. هدف اظهار شده ی مقامات از این مأموریت حمایت از کمپ های پناهندگان در شرق کشور است. در حقیقت یک جنگ خونین در سراسر چاد، میان نیروهای شورشی مورد حمایت دولت سودان و چین از یک سو و دولت چاد با مساعدت ارتش فرانسه از سوی دیگر، در حال رخ دادن می باشد. هفته ی گذشته جنگ حتی به پایتخت چاد، که در آن نزاعی سنگین رخ داد، رسید.

هیچ شکی در این مورد نمی تواند وجود داشته باشد که فرانسه به دولت [کشور] سابقاً مستعمره ی خود، چاد، مرتبط است.

هیئت اعزامی یوفور ادعا می کنند که نقشی بی طرف در چاد ایفا می کنند، اما ارتش فرانسه از طریق انتقال سربازان دولت و اجرای برنامه ی شناسایی هوایی، مستقیماً درگیر جنگ است. در سال ۲۰۰۶، دولت چاد تنها به آن دلیل توانست باقی بماند که لژیون خارجی فرانسه [۲] [به چاد] کمک کرد که یورش شورشیان در پایتخت را درهم شکند. رئیس جمهور چاد، ایدریس دبی [۳] در یک کودتا به سال ۱۹۹۰ با کمک ارتش فرانسه، قدرت را تصاحب کرد. فرانسه ۲۰۰۰ سرباز مستقر در چاد دارد و از [صحرای] ساهارا [۴] در این کشور به عنوان بزرگترین پایگاه نیروی هوایی خود استفاده می کند. با توجه به اظهارات مقامات، چاد یک "دموکراسی بورژوازی" است اما مطابق با شاخص ادراک فساد [۵] سازمان شفافیت بین المللی [۶] در سال ۲۰۰۵، این کشور فاسدترین کشور در جهان است.

باید برای عموم آشکار گردد که کشورهای حمایت کننده ی برنامه یوفور، مانند ایرلند، بلژیک، سوئد، اتریش، رومانی و لهستان کاری بشردوستانه انجام نمی دهند، بلکه در حال شرکت در یک جنگ امپریالیستی کثیف هستند. هم چنین باید تأکید کرد که گمان آن می رود که سه کشور شرکت کننده در این مأموریت، ایرلند، اتریش و سوئد، "بی طرف" هستند و قوانین اساسی این کشورها آن ها را مقید به عدم شرکت در جنگ ها می کند.

این حقیقت دارد که ۲۵۰/۰۰۰ پناهنده در چاد وجود دارند که از دارفور [۷]، ایالت غربی سودان، گریخته اند و بیش از ۱۷۰/۰۰۰ پناهنده که از سایر نقاط مختلف چاد گریخته اند؛ گزارشات رسانه های غربی این نظر را به دست می دهند که پناهندگان [فراری] از دارفور مردمانی هستند که شبه نظامیان جنجَوید [۸]، که مورد حمایت دولت سودان و چین هستند، برای مقاصد نظامی به کار می گیرند. در حقیقت، این مصیبت و بلای پناهندگان، نتیجه ی یک جنگ داخلی است بین شبه نظامیان جنجَوید از یک سو و ارتش آزادیبخش سودان (SLA) [۹] و جنبش عدالت و برابری (JEM) [۱۰] مورد حمایت ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر.

هم "جان اگلند" [۱۱] هماهنگ کننده ی امدادهای فوری سازمان ملل متحد در مناطق بحران زده و هم سازمان عفو بین الملل [۱۲] بر این باورند که JEM و SLA مرم را از خانه و کاشانه ی خود دور می سازند. دلیل حقیقی آن به اصطلاح "مصیبت پناهندگی" [۱۳] یک جنگ نیابتی [۱۴] میان امپریالیسم چین، آمریکا و فرانسه است. استفاده از پناهندگان، که خود محصول مداخله ی خارجی هستند، به عنوان یک بهانه برای مداخله ی خارجی جدید تر به دست امپریالیسم فرانسه و مورد حمایت اتحادیه اروپا، نهایت خودپرستی را نشان می دهد. سوسیال دموکرات ها، کمونیست ها و فعالین اتحادیه های کارگری تمامی کشور های اتحادیه اروپا باید همه را آگاه سازند که بدون دخالت امپریالیستی و مداخله ی خارجی، هیچ پناهنده ای در سرتاسر آفریقا وجود نخواهد داشت.

دلیل واقعی کشمکش: نزاع برای نفت یا سیادت؟

پس زمینه ی این درگیری رو به وخامت در سودان و چاد، مسابقه ی قدرت های امپریالیستی برای کنترل بر منابع منطقه ای و مواد خام مهم، است. به خاطر قیمت فزاینده ی نفت، ذخایر نفتی ساها را که در اعماق زمین جای گرفته، بسیار مورد علاقه قرار گرفته است. تخمین زده می شود که ۱۰٪ از منابع نفت جهانی در آفریقا پیدا می شود. چاد تولید

نفت را در سال ۲۰۰۳ آغاز کرد که در حال حاضر به عنوان یک جاذب حرص و طمع قدرت های متنوع امپریالیستی فعالیت می کند. در سال ۲۰۰۲، آمریکا اعلام داشت که به علت بی ثباتی فزاینده در خاورمیانه، تضمین کنترل بر این ذخایر نفتی آفریقا یک هدف استراتژیک مرکزی سیاست خارجی او بوده است. تا سال ۲۰۱۵، آمریکا قصد دارد تا ۲۵٪ واردات نفتی خود را از آفریقا تأمین کند. مشکل این است که فرانسه و چین یک علاقه ی وافر نسبت به ثروت نفتی آینده ی این منطقه از خود نشان می دهند.

درگیری در چاد و دارفور تنها تصویر کوچکی در یک مسابقه ی عظیم قدرت است که در سراسر آفریقا و میان قدرت های امپریالیستی اصلی اروپایی و آمریکا و امپریالیسم چین در حال شکل گیریست. از زمان فرو ریختن دیوار برلین تا به الآن، درگیری ها و تخاصمات در آفریقا تحت الشعاع جنگ های نیابتی بین فرانسه و آمریکا بوده است. بی رحمانه ترین این درگیری ها، جنگ داخلی رواندا در سال ۱۹۹۴ و جنگ کنگو بود که امروز به "جنگ جهانی آفریقا" [۱۵] که در ۱۹۹۶ آغاز گشت هم منتسب می شود. مطابق با کمیته ی رهایی بین المللی [۱۶] ۵/۴ میلیون نفر از مردم در این جنگ ها جان خود را از دست دادند، یعنی بیشتر از [تعداد کشته های] هر نزاع دیگری پس از جنگ دوم جهانی. ما در مقالات دیگر به تفصیل در مورد این درگیری ها صحبت کرده ایم (پایین مقاله را نگاه کنید).

حال، سناریو به دو دلیل تغییر کرده است. از یک طرف، امپریالیسم فرانسه تمام جدال های نیابتی خود را علیه آمریکا از دست داده است و در حقیقت تسلیم امپریالیسم آمریکا شده است. از طرف دیگر، یک بازیکن قدرتمند جدید در حال دست یافتن به نفوذ هر چه بیشتر در آفریقا می باشد: چین.

چین، پیش از این هم ۳۰٪ از واردات نفتی خود را از آفریقا، عمدتاً سومالی، نیجر، نیجریه و سودان وارد می کرده است. اما این تنها یک شروع کوچک است. هو جین تائو [۱۷] رئیس جمهور چین از ۱۷ کشور آفریقایی بازدید به عمل آورده است تا روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی را تقویت کند؛ ۸۰۰ شرکت چینی در آفریقا فعالیت می کنند و بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر از مردم چین در چند سال گذشته، به چین نقل مکان کرده اند که بیشتر آن به جهت فعالیت کشاورزی بوده است؛ هم چنین واضح است که چین حمایت نظامی برای کشورهای آفریقایی را تأمین می کند و مستقیماً در برخی از کشورهای [آفریقا] با گروه های سربازان فعالیت می کند. به عنوان مثال، تخمین زده می شود که ۱۰/۰۰۰ سرباز چینی به طور رسمی و به عنوان "کارگران ساخت خط آهن" در سودان حضور دارند. نفوذ رو به رشد چین دلیل

اصلی آن است که چرا اتحادیه اروپا و ایالات متحده با یکدیگر علیه "دشمن" قدرتمند جدید در آفریقا کار می کنند.

مسابقه ی قدرت که دارد در حال حاضر داخل آفریقا اتفاق می افتد متشابه پایان قرن نوزدهم است، یعنی زمانی که آفریقا ابتدا بین قدرت های بزرگ تقسیم شد، و تضاد های بیشتر و بیشتری در بین همین قدرت های بزرگ به وجود آمد. جالب است توجه کنیم هنگامی که امپریالیسم فرانسه و بریتانیا هم به [وضعیت] یک جنگ در آفریقا نزدیک شد، [در نهایت] این جنگ در سودان اتفاق افتاد، یعنی در سال ۱۸۹۹ در خلال دوره ی به اصطلاح "بحران فاشودا" [۱۸]. همانند قرن نوزدهم، بار دیگر این جنگ در سودان، یعنی جایی که امپریالیسم چین، ایالات متحده و فرانسه با یکدیگر رو به رو شده اند، اتفاق افتاده است. آن ها می خواهند نه تنها دارفور بلکه کشور مسیحی نشین جنوب سودان [۱۹] را مورد تهاجم قرار دهند، کشوری که ایالات متحده از ارتش آزادیبخش خلق جنوب (SPLA) آن که سال ها برای استقلال مبارزه کرده بود حمایت می کرد؛ این به دلیل آن است که دارفور و کشور مسیحی نشین سودان جنوبی مناطقی از سودان هستند که قسمت هایی نفت خیز در آن ها قرار گرفته است.

#### سوسیالیسم یا بربریت

وضعیتی که مداخله ی امپریالیستی در آفریقا از زمان فروپاشی شوروری به وجود آورده است تنها با عنوان بربریت قابل توصیف است. این سطح فعلی درگیری های خشونت آمیز، از جنگ دوم جهانی به بعد مشاهده نشده است. شاید نزدیک و شبیه ترین وضعیت تاریخی [به موقعیت فعلی آفریقا] که می توان به آن فکر کرد، جنگ سی ساله ی اروپا در خلال سال های ۱۶۱۸-۱۶۴۸ باشد. [۲۰]

نه فقط جنگ در سراسر قاره ، بلکه سقوط و متلاشی شدن اقتصاد، جامعه و تمامی کشورها نیز وجود دارد که این کشورها از جانب رسانه های بورژوازی به عنوان "دول ورشکسته" معرفی می شوند. بیماری های مسری و همه گیر و طاعون در تمامی قاره در حال ظاهر شدن هستند و تمامی مناطق [مسکونی] کم جمعیت می گردند. اقتصاد جنگی سرمایه داران و فرماندهان جنگی گانگستر- در فراسوی کنترل هر کشوری، درست مانند نقاشی والنشتاین معروف [۲۱] در دوره ی جنگ های سی ساله- مرتبط با شبه نظامیان، مزدوران و بازار جهانی است که سراسر قاره را تحت سلطه ی خود دارد. چپاول، تجاوز،

سازماندهی دسته های نظامی و جنگ، ریشه های یک سیستم اقتصادی خاص هستند که با بازار جهانی و امپریالیسم ارتباط دارد: اقتصاد بربریت.

تنها نیرویی که می تواند این خونریزی و نکبت را پایان دهد طبقه ی کارگر است. کارگران کشورهای امپریالیست، اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و چین می بایست علیه مداخله ی نظامی در کشورهای آفریقایی مبارزه کنند. کارگران آفریقا، که با اعتصابات خود در کشورهای آفریقایی جنوبی، نیجریه و مصر قدرت بالقوه ی خود را برای مبارزه نشان داده اند، هیچ انتخابی ندارند به جز مبارزه با امپریالیسم، نخبگان فاسد آفریقایی و دست نشاندهان امپریالیسم به جهت ملّی کردن منابع طبیعی، زیربنا، تجارت و صنعت تحت کنترل دموکراتیک خودشان.

تنها براندازی سرمایه داری است که می تواند از غرق شدن هر چه بیشتر آفریقا در بربریت جلوگیری کند. ما باید شعار "نه یک سرباز و نه حتی یک سنت برای مأموریت یوفور" [۲۲] را سر دهیم. ما باید پایان فوری این مأموریت نظامی و اتمام هر گونه کمک از سوی احزاب متخاصم و ستیزه جو را مطالبه کنیم. ما باید در اتحادیه های کارگری و احزاب سوسیالیست/کارگری/کمونیست یک کمپین برای توقف فرستادن هرگونه سرباز بیشتر و تدارکات تازه برای سربازان یوفور بر پا سازیم. دوام صلح، ثبات و کامیابی تحت سیطره ی امپریالیسم و استثمار سرمایه داری امکان پذیر نیست. طبیعت و ذات نخبگان حاکم بر کشورهای سابقاً مستعمره مانند چاد نشان می دهد که هیچ استقلال حقیقی ای ممکن نیست مگر کارگران و توده های تحت استثمار سرنوشت خود را به دستانشان متکی کنند. استقلال حقیقی تنها با نابودی پایه های وابستگی اقتصادی به قدرت های امپریالیستی می تواند به دست آید. این امر تنها از طریق ملّی کردن منابع طبیعی، زیربنا، تجارت و صنعت تحت یک کنترل دموکراتیک کارگران آفریقا ممکن است.

منبع: [In Defence Of Marxism](#)

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)